



عقل درخشان

«عقل درخشان» پیرامون زندگی فرمانده شهید مقاومت اسلامی لبنان «حسان اللقیس» می باشد که پاییز سال ۱۳۹۲ به دست مزدوران رژیم غاصب صهیونیستی اسرائیل در لبنان ترور شد. این کتاب، حاوی ناگفته هایی از زندگی شهید، تصاویر اختصاصی، خاطرات شخصی حمید داوودآبادی از او، خاطرات شخصی شهید اللقیس، متن کامل مصاحبه منتشر نشده با حسان اللقیس همچنین اخبار و اطلاعات ویژه درباره ترور او است. اللقیس به ضرب گلوله هایی که از فاصله نزدیک شلیک شده بود با ۵ تیر در سر و گردنش به شهادت رسیده که برخی منابع اعلام کرده اند که وی به ضرب ۴ گلوله که به سوی کتف و سرش شلیک شده، به شهادت رسیده است. همچنین گفته می شود وی در پارکینگ منزلش ترور شده است. برای تهیه این کتاب نمایه کیوار کد مقابل را اسکن کنید.



عقل درخشان

جنگ خودمون با اسرائیل، باید از همه لحاظ آماده باشیم. نیروهای ما، فقط رزم روی زمین و کار با کلاشینکف و ام ۱۶ رو یاد نمی گیرند، نیروهای ما باید دوره های ویژه کماندویی، چتربازی و ... و حتی خلبانی رو هم ببینند و از همه لحاظ آمادگی داشته باشند. یک نیروی رزمی مقاومت باید بتونه در مواقع ضروری رانندگی تانک مرکاوا، هدایت نفربرها و کنترل موشک های مختلف رو بلد باشه. یعنی هر سلاحی که دشمن داره، بچه های مقاومت باید کار با اون رو بلد باشن. حتی اگر هواپیمای اف ۱۶ باشه.

آموزش فیلم برداری به نیروهای عملیاتی

مدتی بود که دوربین در میان نیروهایی که برای عملیات به مناطق اشغالی می رفتند، از داشتن سلاح واجب تر شده بود. این خبر خوبی بود؛ ولی باید ثبت صحنه های تکرار نشدنی عملیات، حساب شده و منظم صورت می گرفت. در یکی از سفرها که با یکی از دوستان به لبنان داشتیم، با حاج حسان بر سر آموزش نیروهایی که دست به دوربین بودند، بحث کردیم. خیلی از این مسئله استقبال و اعلام آمادگی کرد. همین که به تهران رفتیم، با مسئول روابط بین الملل یکی از سازمان های فیلم سازی صحبت کردیم که آن ها هم با روی گشاده استقبال کرده و حتی اعلام کردند برای این کار، ریالی هم دریافت نخواهند کرد.

وقتی تلفنی قضیه را به حاج حسان اطلاع دادیم، مدتی گذشت که ۱۵ نفر از بچه های مقاومت که علاقه و استعداد بسیاری برای کار با دوربین داشتند، به تهران آمدند. آن مؤسسه، دوره ای ۴۵ روزه برای آنان گذاشت و همه آموزش های لازم از جمله فیلم برداری در مواقع بحرانی، تدوین و ساخت برنامه های تبلیغی و تلویزیونی و ... را به آنان آموزش دادند. دوره که به پایان رسید، آن ۱۵ نفر که واقعاً استعداد شگرفی در جذب دروس و آموزش داشتند، به لبنان بازگشتند و در عملیات های مختلف، به تصویربرداری پرداختند. کم کم دوربین آنچنان در صحنه نبرد کارساز شد که خشم صهیونیست ها را برانگیخت؛ چرا که تا پیش از آن، پس از هر عملیات مقاومت و ضربه به مواضع دشمن اشغالگر، صهیونیست ها به راحتی هرگونه آسیب و ضربه را تکذیب می کردند که این مسئله هم برای حفظ روحیه صهیونیست ها بود و هم برای خنثی سازی فعالیت حزب الله. از وقتی دوربین وارد صحنه عملیات شد، دقایقی پس از عملیات، تصاویر بکر و ناب از ضرباتی که بر صهیونیست ها وارد آمده بود، از شبکه المنار وابسته به حزب الله پخش می شد و دشمن را رسوا می کرد. همین مسئله سبب شد تا بالگردهای ارتش اسرائیل، بلافاصله پس از هر عملیات، به جای تعقیب نیروهای نظامی و عملیاتی، به دنبال آنانی باشند که دوربین بر دوش داشتند تا با هدف قرار دادنشان، عملیات روانی مقاومت را خنثی کنند.

جنایت در کلیسای کحاله و زنده شدن خاطرات

اسارت حاج احمد متوسلیان

اوایل تابستان سال ۱۳۷۴ بود که سوار بر ماشین بنزی که از بیروت عازم بعلبک بود، میان چند نفر از بچه های مقاومت نشسته بودم. حاج حسان پشت فرمان بود که در میان شوخی ها و تکه های قشنگ، در جواب من که از سرعت بالایش انتقاد کردم، گفت: لبنانی ها خیلی تند و سریع می رانند، ولی ایرانی ها بسیار عجولانه و خطرناک رانندگی می کنند.

ناگهان حاج حسان به تندی ماشین را کشید کنار جاده و زد روی ترمز. همه تعجب کردیم. علت را که پرسیدم، رویش را به